

مهاجرپذیری و توسعه پایدار اجتماعی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای مهاجرپذیر منطقه کلانشهری تهران)^۱

محمد رضا رضوانی: استاد و عضو قطب برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سید حسن مطیعی لنگرودی: استاد و عضو قطب برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مهدی پورطاهری: دانشیار و عضو قطب برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

فاطمه عزیزی^۲: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

بررسی پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد؛ موضوع مهاجرت به ویژه مهاجرت از روستا به شهر و توسعه پایدار روستایی به طور گسترده مورد بررسی قرار گرفته، اما مهاجرپذیری روستاها و ارتباط آن با مباحث پایداری خصوصاً پایداری اجتماعی، کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است. هدف از این تحقیق بررسی نقش مهاجرپذیری روستاهای پیرامون کلان‌شهری در پایداری یا ناپایداری اجتماعی این روستاها می‌باشد. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی با تأکید بر پیمایش میدانی و تکمیل پرسشنامه محقق ساخته بوده و جامعه آماری شامل ۹۲ روستایی است که طی چند دهه گذشته در منطقه کلانشهری تهران مهاجرپذیری را تجربه کرده‌اند و نمونه آماری شامل ۱۸ روستا بر اساس معیارهای، نرخ رشد بالای سه درصد، روستاهای بالای ۵۰ خانوار، موقعیت طبیعی (کوهستانی و دشتی) و فاصله از کلانشهر تهران انتخاب شد. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد؛ سطح تحصیلات نسبتاً پایین، جوانی جمعیت، اشتغال غالب در بخش‌های غیررسمی و نسبت بالای اجاره‌نشینی در بین ساکنین مهاجر، در روستاهای مهاجرپذیر، ناپایداری اجتماعی روستاهای پیرامون کلانشهری تهران را به تصویر می‌کشد. بعد از محاسبه آماره‌ها و با مبنا قراردادن طبقه‌بندی پرسکات آلن، روستاهای مهاجرپذیر پیرامون کلانشهر تهران، از نظر پایداری اجتماعی مورد ارزیابی قرار گرفتند. وضعیت سطوح پایداری روستاها مورد مطالعه؛ ۲۲ درصد دارای پایداری خوب، ۱۶ درصد پایداری متوسط، ۲۷ درصد پایداری ضعیف و ۱۱ درصد دارای ناپایداری هستند. بنابراین؛ قریب به ۵۵ درصد از روستاهای مورد بررسی در بعد اجتماعی از حد متوسط به سمت ناپایداری گرایش دارد. همچنین با توجه به جدول پرسکات آلن وضعیت پایداری شاخص‌های توسعه پایدار اجتماعی در شاخص‌های امنیت اجتماعی، همبستگی اجتماعی و تعلق مکانی قابل قبول و یا تقریباً پایدار بوده و مسائل اجتماعی و عدالت اجتماعی در وضعیت خوب یا پایدار و شاخص‌های مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی در وضعیت بد یا ناپایدار واقع شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت، توسعه پایدار اجتماعی، روستاهای مهاجرپذیر، منطقه کلان شهر تهران.

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی فاطمه عزیزی که دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران در حال انجام است، می‌باشد.

^۲ نویسنده مسئول: aziziut58@gmail.com، ۰۹۱۲۷۱۶۶۵۸۸

بیان مسأله:

امروزه با مشخص شدن ناپایداری‌ها و ضررهای فراوان آن در مسیر توسعه، پارادایم پایداری به عنوان مسئله‌ای مهم و ضروری نمود یافته و در طی دو دهه اخیر، توجه مجامع جهانی را به خود جلب کرده است (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲). توسعه پایدار و به طور کلی مباحث پایداری، امروزه در زمینه‌های مختلفی وارد شده‌اند (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷) و ارتباط موضوعات مختلف با مباحث پایداری مورد توجه پژوهشگران بوده و اثرات موضوعات متنوع، بر پایداری و ناپایداری توسعه، مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته است. در این میان توافق عمومی وجود دارد که ابعاد مختلف توسعه پایدار - اجتماعی، اقتصادی، محیطی و نهادی- در گفتمان پایداری توسط سیاست‌گذاران به طور مساوی اولویت‌بندی نشده است (Drakakis-Smith, 1995: 5). به طوری که پژوهشگران در فرآیند توسعه پایدار، عمدتاً به دلیل سهولت ارزیابی و وجود شاخص‌های پایداری در ابعاد زیست‌محیطی و اقتصادی، این دو بعد را مد نظر قرار داده‌اند، لذا بعد اجتماعی توسعه پایدار، با توجه به ماهیت مضامین آن و عدم سهولت بررسی و سنجش، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پایداری نظام اجتماعی به معنای ارتقای کیفیت زندگی و توسعه منابع انسانی و در نهایت خود توانی اجتماعات محلی برای غلبه بر چالش‌ها و مسائل درونی و واکنش در برابر تغییرات بیرونی و مدیریت حفظ ارزش‌ها است. در این معنا اهداف اجتماعی توسعه پایدار در مضامینی چون فرصت‌های برابر (درون و بین نسلی)، توانمندسازی، ارتقای کیفیت زندگی، کرامت و حقوق انسانی، فقرزدایی، تنوع فرهنگی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، ظرفیت‌سازی نهادی، امنیت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، رفاه اجتماعی و تعلق خاطر مکانی به شکلی گسترده مورد تأکید قرار گرفته است. مهاجرپذیری از جمله مسائلی است که به شکلی چشم‌گیر، پایداری اجتماعی روستاهای پیرامون کلانشهر تهران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مهاجرپذیری با توجه به مؤلفه‌های بعد اجتماعی پایداری از جمله: امنیت اجتماعی، برابری اجتماعی، تعلق مکانی، مسائل اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی، مشکلاتی مانند: نا امنی اجتماعی، کاهش اعتماد اجتماعی و افزایش مسائل اجتماعی را به وجود می‌آورد. از آنجایی که با تأکید بر پاره‌ای از تجربیات جهانی، دلایل زیادی وجود دارد که ظهور ناپایداری در ابعاد محیطی آن در سوء مدیریت منابع طبیعی جلوه گر شده است و ناپایداری اقتصادی - که نموده‌های عینی آن در بروز عدم تعادل اقتصادی، نابرابری، فقر و بیکاری در سطح جوامع روستایی تجلی یافته‌اند- به دلیل فقدان توجه و یا توجه اندک به ابعاد اجتماعی بوده است (پورطاهری، ۱۳۸۸: ۲-۳). روستاهای مهاجرپذیر پیرامون کلانشهرها، به واسطه نظام متفاوت سکونتگاهی در بعد اجتماعی از مهاجرپذیری تأثیر پذیرفته و روند ناپایداری را طی می‌کنند. در پژوهش حاضر سعی شده است تا سطوح پایداری روستاهای نمونه در پیرامون کلانشهر تهران بر اثر مهاجرپذیری تعیین شده و معلوم گردد؛ روستاها از نظر پایداری اجتماعی در چه سطحی قرار دارند؟

پیشینه تحقیق:

رضوانی (۱۳۸۱) در مطالعه‌ای با عنوان "تحلیل الگوهای روابط و مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران" نتیجه می‌گیرد، گسترش کارکردهای سکونتی- خوابگاهی در نواحی روستایی جنوب شرق، جنوب و جنوب غرب تهران، موجب بروز تضادهای اجتماعی و فرهنگی در روستاها گردیده است. پورطاهری و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای که با عنوان «سنجش و اولویت‌بندی اجتماعی در مناطق روستایی، با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی بر اساس تشابه به حل ایده‌آل فازی بخش مرکزی شهرستان خدابنده» انجام داده‌اند؛ نتیجه گرفته‌اند که؛ جامعه روستایی تحت تأثیر روند و سیاست‌های دهه‌های اخیر دچار تحولات گسترده‌ای شده و شواهد نشان می‌دهد؛ حرکت روستاها به سمت ناپایداری و به ویژه ناپایداری اجتماعی است؛ این پژوهشگران ضمن تبیین مفهوم پایداری اجتماعی، الگویی در جهت شاخص‌سازی پایداری اجتماعی با رویکرد شاخص‌های کیفی و ذهنی ارائه کرده‌اند. افراخته (۱۳۸۹) در مطالعه دیگری به این نتیجه می‌رسد که؛ روند رشد کلانشهرها موجب جذب جمعیت روستاهای پیرامون به مراکز شهری می‌شود. لذا این روستاها، محل تمرکز اقشار کم‌درآمد اجتماعی شده؛ دسترسی آنان به خدمات از نظر کیفی تنزل می‌یابد و ناامنی اجتماعی (کجروی‌های اجتماعی) در این روستاها بروز می‌نماید. اکبرپور و نجفی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان "مفهوم توسعه پایدار در محیط‌های روستایی حوزه کلانشهرها، مطالعه موردی: کلانشهر تهران" بیان می‌دارند: حوزه‌های کلانشهری از جمله حوزه‌هایی است که به واسطه نظام متفاوت روابط سکونتگاهی و حضور و

جریان نیروهای مختلف نشأت گرفته از قطب کلانشهری، سیمایی متفاوت به کانون‌های روستایی بخشیده است. نواحی روستایی با پذیرش بخشی از جریان مهاجرت به تهران با گسترش کارکردهای خوابگاهی، کارگاهی، صنعتی و استقرار تأسیسات منجر به بروز تخریب محیط زیست، تخریب چشم‌انداز، تبدیل و تغییر کاربری اراضی کشاورزی، رکود فعالیت‌های کشاورزی و دامی، بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی و ایجاد تباینات کالبدی شده است. اطاعت (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان «جمعیت و توسعه پایدار در ایران» رابطه جمعیت و توسعه پایدار را معنادار می‌داند و می‌افزاید؛ رشد فزاینده جمعیت، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست‌محیطی زیادی به دنبال دارد. افراخته (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «خزش شهری و پیامدهای آن در توسعه پایدار روستایی (مورد: روستاهای پیرامونی شهر بیرجند)» نتیجه می‌گیرد که مهاجرت سرریز جمعیتی بیرجند به روستاهای پیراشهری موجب افزایش هندسی تعدد و تراکم جمعیت این فضاها شده در نتیجه حضور افراد غیر محلی در روستاها، باعث شده است تا بافت همگن و منسجم روستاها بر چیده شده و ناهنجاری‌هایی مانند سرقت و اوباش‌گری در این روستاها به وجود آید.

از پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور نیز می‌توان به تعدادی از آنها اشاره نمود که با موضوع پژوهش حاضر مشابهت دارند؛ از جمله:

ویلیامز و جابز^۱ (۱۹۹۰) به این نتیجه می‌رسند که تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی در دهه هفتاد، جابه‌جایی به مناطق روستایی را بیشتر عملی کرده است؛ که عمدتاً برای به دست آوردن کیفیت خاصی از زندگی صورت می‌گیرد. اسپارو فری^۲ نیز به بررسی مهاجرت به روستاها پرداخته و نتیجه می‌گیرد: هرگونه جمعیت‌پذیری مجدد مناطق روستایی یک فرایند کوتاه‌مدت است و کاهش آن ادامه خواهد یافت؛ مهاجرت جمعیت بازگشتی به آرامی ادامه خواهد داشت و جمعیت‌پذیری مجدد نواحی روستایی کوچک به ایجاد نواحی مرکزی متصل به نواحی ابر شهری منجر می‌شود. فیندلی و استوکدال^۳ (۲۰۰۰) نیز در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که؛ مناطق روستایی در دسترس، جمعیت‌پذیری را تجربه می‌کنند و به این ترتیب اهمیت کشاورزی در استخدام کاهش یافته و نقش صنعت و خدمات به طور مرتب افزایش می‌یابد و انواع استفاده‌های جدید از فضای روستایی مانند خرده‌فروشی، گردشگری، تفریح و استراحت شکل می‌گیرد. استوکدال (۲۰۰۶) در مقاله با عنوان «مهاجرت و احیاء روستایی» نتیجه می‌گیرد؛ مهاجرت به روستا یا روند موسوم به شهرگری، به طور بالقوه یک منبع ارزشمند سرمایه انسانی برای مشارکت در توسعه درونی است و گروه‌های مهاجر نیز به عنوان منبع ارزشمند سرمایه‌انسانی هستند. آلتای و آلتان^۴ (۲۰۱۱) نتیجه می‌گیرند که؛ مهاجرت به روستاها به عنوان راهبردی برای کارآفرینی و بهره‌برداری از پتانسیل محلی، سرمایه‌های روستایی به جای وارد کردن آن از بیرون، تلقی می‌شود.

مبانی نظری:

توسعه پایدار فرآیندی است که بر اساس بهبود وضعیت و از بین برنده کاستی‌های اجتماعی- فرهنگی جوامع است. هم‌چنین از توسعه پایدار به منزله‌ی نیروی محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز یاد شده است (سلامی، ۱۳۷۶: ۴۴). از این‌رو توسعه‌پایدار را می‌توان استمرار بخشی در رویکرد مفاهیم توسعه‌ای دانست که در بستر منابع مالی، طبیعی و انسانی سعی دارد تا ضمن گسترش بهبود سطح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توسعه‌پایدار انسانی را نیز ممکن گرداند (محمودی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۷ - ۵۶). لذا؛ توسعه‌پایدار به عنوان مظهر ترکیب و روابط متقابل بین محیط‌زیست، اقتصاد و اجتماع بایستی در ارتباط باهم در نظر گرفته شود (Drexhage et al, 2010: 6). با وجود یکپارچه‌نگری مستتر به ابعاد توسعه پایدار در تعاریف توسعه پایدار، این توافق عمومی وجود دارد؛ که ابعاد مختلف توسعه پایدار - اجتماعی، اقتصادی، محیطی و نهادی- در گفتمان پایداری توسط سیاست‌گذاران به طور مساوی اولویت‌بندی نشده است

¹. Williams & Jobs

². Spar & Frey

³. Findiay & Stockdale

⁴. Altye & Algun

(Drexhage et al, 1995: 662). آصف و فراستل^۱ (2007) ادعا می‌کنند؛ پایداری اجتماعی بعد نهایی توسعه پایدار است در حالی که پایداری محیطی و اقتصادی دو هدف اصلی پایداری و ابزار دستیابی به آن است (Colantonio et al, 2009, 16). با وجود عدم اجماع در معیارها و چشم‌اندازهای پایداری ارائه تعریفی واحد، سخت به نظر می‌رسد؛ لذا چند تعریف از پایداری اجتماعی در جدول شماره ۱ آورده می‌شود.

جدول ۱- تعاریف توسعه پایدار اجتماعی

منبع	تعریف
Sachs, 1999: 7	تعریف قوی پایداری اجتماعی باید بر ارزش‌های بنیادی برابری و دموکراسی و تخصیص موثر حقوق انسانی، سیاسی، شهروندی، اقتصادی و اجتماعی برای همه مردم باشد.
Litting, Griebler, 2005 72	پایداری اجتماعی به حالتی اطلاق می‌شود که کار جامعه و ترتیبات نهادی نیازهای انسانی را برآورده و به نحوی شکل یافته است که به صورت طبیعی، قابلیت بازتولید دارد و در طول زمان، ادعاهای معمول عدالت اجتماعی، کرامت انسانی و مشارکت را برآورده می‌سازد.
6. Biart, 2002	پایداری اجتماعی، با هدف تعیین حداقل الزامات اجتماعی برای توسعه بلندمدت و شناسایی چالش‌های عملکردی اجتماع در طولانی مدت است.
and Poles 15: Stern, 2000	توسعه‌ای هماهنگ که گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی به طور همزمان و هماهنگ به مشارکت تشویق شوند تا جایی که بهبود کیفیت زندگی همه آنان را به همراه داشته باشد.

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

علاوه بر بررسی تعاریف پایداری اجتماعی، مرور مفاهیم کلیدی در گستره زمانی گذشته و حال (جدول شماره ۲) جهت‌گیری‌های پایداری اجتماعی را مشخص می‌سازد.

جدول ۲- مفاهیم کلیدی جدید و سنتی پایداری اجتماعی

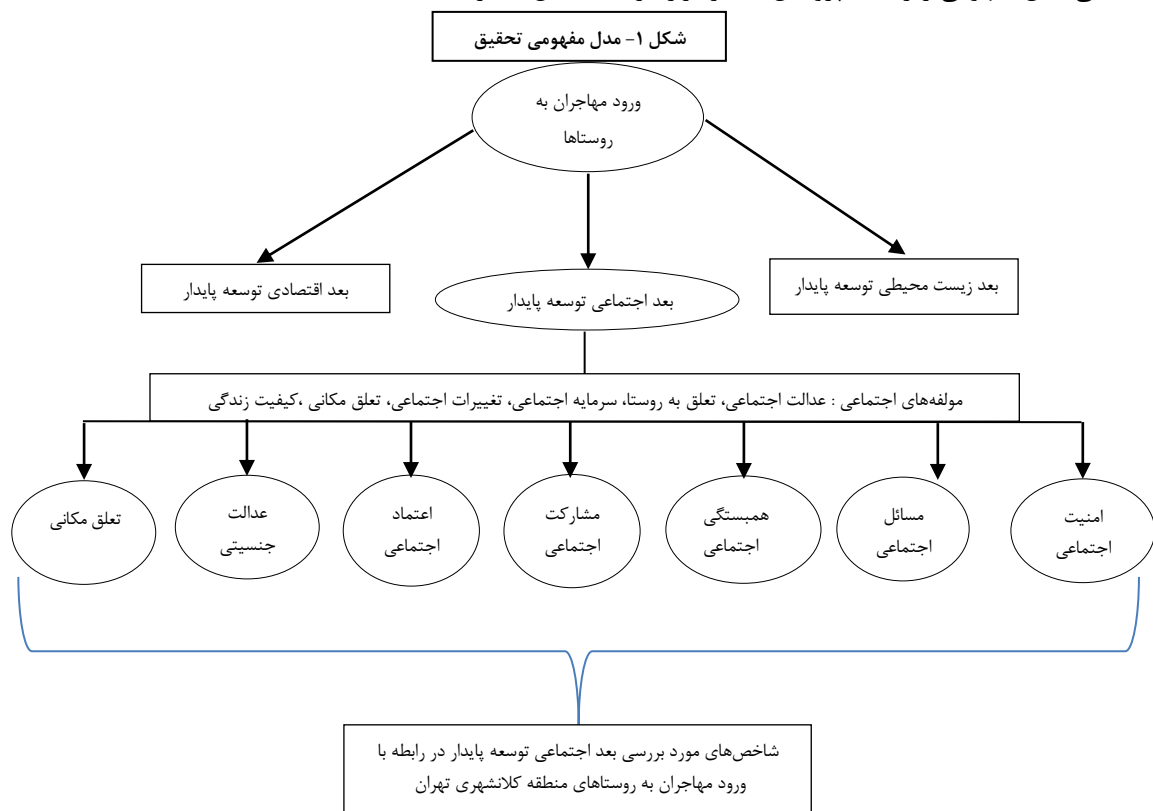
سنتی	جدید
نیازهای اساسی، شامل مسکن و بهداشت محیط	تغییرات جمعیتی (سالمندی، مهاجرت و تحرک)
آموزش و مهارت	ترکیب و انسجام اجتماعی
اشتغال	هویت، تعلق مکانی و فرهنگی
عدالت	توانمند سازی، مشارکت و دسترسی
حقوق بشر و جنسیت	ایمنی و بهداشت
فقر	سرمایه اجتماعی
عدالت اجتماعی	رفاه، شادکامی و کیفیت زندگی

مأخذ: (Colantonio and Dixon, 2009, 16).

به عبارتی، می‌توان پایداری اجتماعی را به معنای ارتقای کیفیت زندگی، توسعه منابع انسانی، تنوع فرهنگی، تحرک اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، ظرفیت‌سازی نهادی، امنیت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، تعلق خاطر مکانی و در نهایت توانمندی اجتماعات محلی برای غلبه بر چالش‌ها و مسائل درونی و واکنش بهینه در برابر تغییرات بیرونی به شمار آورد (جاودان و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۸). همانطور که در جدول شماره ۲، مهاجرت به عنوان عاملی تأثیرگذار بر بعد اجتماعی توسعه پایدار به طور خاص و عاملی مؤثر بر توسعه، به طور عام می‌باشد. به طوری که، در سال‌های اخیر، علاقمندی به موضوع مهاجرت و توسعه، توسط سیاست‌گذاران و پژوهشگران، بازآفرینی شده و مورد توجه قرار گرفته است (Ratha, 2003: 157). در برخی مطالعات، اثرات مهاجرت بر توسعه مورد بررسی قرار گرفته است. رابینسون، مهاجرت به نواحی روستایی را در برگیرنده طبقه متوسط و کمک به نوین‌سازی روستایی می‌داند. در حالی که منتقدین مهاجرت معتقدند که نوسازی روستایی سیاست‌های محرومیت روستایی را تقویت می‌کند و هر دو گروه شهری و روستایی را متأثر می‌سازد و به کاهش جمعیت روستا به واسطه تورم قیمت خانه می‌انجامد، به طوری که خرید خانه برای گروه‌های ساکن مشکل می‌شود (White, 1990).

¹. Assefa & Frostell

کلاک، فیلیپ، رنکین و دیگران^۱ نشان داده‌اند که چگونه طبقه متوسط مهاجران با منشاء شهری با در اختیار گرفتن، بخش خاصی از بازار مسکن روستایی موفق شده‌اند و افزایش قیمت خانه‌های روستایی منجر به ظهور تضادهای طبقاتی و بوجود آمدن خط جدایی بین مردم محلی و مهاجران ورودی شده است. به غیر از مسأله مسکن همراه با افزایش جمعیت مقصد نهایی، خصوصیات روستایی با ایستارهای آنان از زندگی در شهر درهم می‌آمیزند؛ علاوه بر آن، پیامدهای اجتماعی نظیر کمبود منابع، امکانات خدماتی، بهداشتی و آموزشی برای پاسخگویی به نیازهای جمعیت رو به تزاید، توزیع سنی نامتعادل، بیکاری و فقر (گیدنز، ۱۳۶۸: ۸۵۶ - ۸۵۳). در این روستاها پدیدار می‌گردد؛ همچنین عدم تأمین امکانات آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و عدم مکانیابی صحیح برای اسکان مهاجران از جمله مسایل و مشکلات اینگونه روستاها به شمار می‌رود (رضوانی، ۱۳۸۱: ۸۶ به نقل از Stockdal et al, 2000: 255). در حالی که یکی از دلایل سکونت مهاجران در این روستاها، امکان حفظ ویژگی‌های زندگی روستایی و روابط قومی و قبیله‌ای است، ساکنان آن‌ها به دلیل تماس‌های روزانه با شهر و دسترسی به وسایل ارتباط جمعی تمایل به بروز رفتارهای شهری نیز دارند. در نتیجه با تداخل ویژگی‌های فرهنگی روستایی و شهری نظام فرهنگی دو گانه‌ای ظهور می‌کند (شادی‌طلب و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۳). همچنین تأثیر بالقوه بی‌ثباتی حاصل از مهاجرت به مناطق روستایی در طول زمان به از دست‌دادن چشم‌انداز مثبت متصور به ویژه در رابطه مهاجرت با ایجاد شغل‌های جدید، حمایت از خدمات روستایی و ارتقای توسعه اقتصادی می‌انجامد (علیزاده پروین، ۱۳۷۱: ۲۶). به طوری که نه تنها شیوه زندگی مهاجران را تغییر می‌دهد بلکه ذهنیت آنان را نیز دچار تحول می‌کند (عفتی، ۱۳۸۳: ۵۳ - ۵۶). از سویی دیگر، در واقع مهاجرت می‌تواند موجب تشکیل شبکه‌های اجتماعی شود و به رفع کاستی‌های مهارتی موجود کمک نماید؛ در سایه این درک مشترک، توسعه‌یابدار، قابلیت‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی افراد حاضر را ارتقا می‌بخشد بدون آن‌که قابلیت‌ها و امکانات نسل‌های آتی را به مخاطره بیندازد (Carolin S et al, 2013, 3066-3067). بر اساس مبانی نظری مهاجرت و ناپایداری اجتماعی مدل مفهومی زیر بنای پژوهش حاضر قرار گرفت. (شکل شماره ۱).



^۱. Clock, Philip, rankin et al

روش تحقیق:

روش انجام پژوهش، به صورت توصیفی و تحلیلی بوده و جهت گردآوری اطلاعات از پرسش‌نامه تهیه شده با توجه به اهداف تحقیق استفاده شده است. جامعه آماری شامل تمام روستاهای بالای ۵۰ خانواری است که با نرخ رشد بالای سه درصد و دارای دهیاری هستند. همانطور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود؛ برای تعیین روستاهای نمونه از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای - تصادفی استفاده شده و معیارهای انتخاب روستاها عبارت از: موقعیت طبیعی (کوهستانی و دشتی) و فاصله از کلانشهر تهران است. بر این اساس تعداد ۱۸ روستا از ۹۲ روستا (جامعه آماری) به عنوان نمونه این پژوهش انتخاب گردید.

جدول ۳- تعداد روستاهای نمونه

شرح	تعداد کل روستاهای موجود در هر طبقه	درصد کل روستاهای موجود در هر طبقه	تعداد نمونه‌های قابل برداشت از ۱۸ نمونه در هر طبقه	تعداد نمونه‌های قابل برداشت با توجه به شرایط
کوهستانی بیش از ۳۵ کیلومتر	۱۲	۱۳	۲,۴	۱
کوهستانی ۲۰-۳۵ کیلومتر	۳	۳,۳	۰,۶	۱
کوهستانی کمتر از ۲۰ کیلومتر	۵	۵,۴	۱	۳
دشتی بیش از ۳۵ کیلومتر	۹	۹,۸	۱,۸	۲
دشتی ۲۰-۳۵ کیلومتر	۲۶	۲۸,۲	۵,۱	۳
دشتی کمتر از ۲۰ کیلومتر	۳۷	۴۰,۲	۷,۲	۸
مجموع	۹۲	۱۰۰	۱۸	۱۸

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

حجم نمونه سرپرستان خانوار در روستاهای مورد مطالعه با استفاده از فرمول کوکران مشخص شد. با توجه به تعداد ۹,۵۹۱ خانوار ساکن در روستاهای مورد مطالعه تعداد ۳۸۱ سرپرست خانوار به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند؛ بر اساس جدول شماره ۴ حداقل سهم برای هر روستا ۱۵ سرپرست خانوار در نظر گرفته شده و پاسخگویان به صورت تصادفی مورد پرسشگری قرار گرفتند. (جدول شماره ۴).

جدول ۴- حجم نمونه سرپرستان خانوارها به تفکیک روستاهای نمونه

نام روستا	اصغرآباد	امین آباد	پنجشنبه	چیل آباد	چو	حصار قاضی	دهشار بالا	رضی آباد بالا	رودک	سعدآباد	سورچین	عشق آباد	علی آباد طیارچه	غنی آباد	مروان	مهرآباد	نیکانده	یوسف آباد قوام
تعداد خانوار	۱۲۴	۱۰۳	۴۱۴	۱,۳۲۲	۴۵۹	۱۶۱	۷۶۰	۱,۲۵۶	۲۱۴	۱,۴۱۹	۱۸۳	۲۱۶	۹۴۱	۴۴۱	۲۳۸	۴۱۷	۵۰۶	۴۱۷
حجم نمونه	۱۵	۱۵	۱۷	۳۰	۱۸	۱۵	۳۰	۳۳	۱۵	۴۰	۱۵	۱۵	۳۶	۱۸	۱۵	۱۷	۲۰	۱۷
سهم از کل نمونه	۳,۹۳	۳,۹۳	۴,۴۶	۷,۸۷	۴,۷۲	۳,۹۳	۷,۸۷	۸,۶۶	۳,۹۳	۱۰,۵۰	۳,۹۳	۳,۹۳	۹,۴۴	۴,۷۲	۳,۹۳	۴,۴۶	۵,۲۴	۴,۴۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

برای بررسی ابعاد اجتماعی از ۷ مؤلفه و ۴۰ گویه استفاده شد. تمامی گویه‌ها بر مبنای طیف لیکرت تنظیم شدند. (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) که ۱ نشان دهنده تأثیر خیلی کم مهاجرپذیری بر ناپایداری اجتماعی و ۵ اثرات خیلی زیاد مهاجرپذیری بر ناپایداری اجتماعی را نشان می‌دهد. همانطور که در جدول شماره ۵ مشخص می‌باشد؛ برای ارزیابی روایی پرسشنامه از اعتبار صوری و پیش آزمون استفاده شد و پایایی پرسشنامه‌ها از طریق آلفای کرونباخ تأیید شد.

جدول ۵- شاخص‌ها و نماگرهای پژوهش

شخص (مؤلفه)	گویه‌ها	آلفای کرونباخ
امنیت اجتماعی	احساس خطر از محیط، نگرانی از سرقت از باغات، نگرانی از ایجاد مزاحمت برای زنان و خانواده‌ها، کاهش امنیت، ترس از شیوع مصرف مواد مخدر، احساس نیاز به وجود نیروهای انتظامی برای برقراری امنیت، میزان جرات ابراز و مقابله با آزار و اذیت	۰/۸
مسائل اجتماعی	نزاع و درگیری بین ساکنین بومی و مهاجر، درگیری بین خانوارهای مهاجر، رواج خرید و فروش مواد مخدر، شیوع سرقت از منازل و مزارع بومی	۰/۸
همبستگی اجتماعی	کاهش همدلی و یکرنگی، تفاوت ارزشی بین مهاجر و بومی، کاهش ارزش تضادهای قومی، افزایش پذیرش افراد با قومیت متفاوت در روستا بومی، میزان احترام متقابل ساکنین بومی و مهاجر، میزان تضاد ساکنین بومی و مهاجر، کاهش تضادهای اولیه، میزان تفاوت ارزشی ساکنین مهاجر و بومی	۰/۶
مشارکت اجتماعی	میزان جدایی هیات‌های مذهبی، میزان شرکت مهاجران در مدیریت روستا، مشارکت مهاجران در عمران روستا بومی، شرکت در مراسم عروسی ساکنین بومی، شرکت در مجالس ترحیم ساکنین بومی	۰/۷
اعتماد اجتماعی	اعتماد جمعیت بومی و مهاجر، میزان قرض داد وسایل به مهاجران، میزان قرض پول به مهاجران، میزان اعتماد در سپردن خانه به همسایه (به تفکیک مهاجر و بومی)	۰/۸
عدالت جنسیتی	کاهش رفت و آمد زنان در سطح محلات، میزان کاهش ساعات عبور و مرور، کاهش حضور زنان در باغات، افزایش فضاهای مردانه در روستا بومی	۰/۷
تعلق مکانی	کاهش علاقه ساکنین بومی به زندگی در روستا، مهاجرت ساکنین بومی از روستا، کاهش علاقه جوانان بومی، افزایش امید به آینده روستا در بین مردم، کاهش ثبت نام افراد بومی در مدارس روستا توسط بومیان بومی، تمایل به ادامه زندگی در روستا، میزان علاقه به حل مشکلات روستا	۰/۶،۵

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

فرایند ارزیابی پایداری اجتماعی:

برای ارزیابی پایداری اجتماعی در روستاهای نمونه فرآیند زیر طی شده است.

- ۱- هم جهت نمودن نماگرها: نماگرهای مورد استفاده در هر کدام از شاخص‌ها، همسو و هم جهت نبودند؛ برخی سیر صعودی و برخی سیر نزولی داشتند. بر این اساس از روش *Recode* در نرم افزار *Spss* برای ایجاد هم‌سوایی و هم‌جهتی نماگرها استفاده شده است (در طیف به دست آمده عدد ۵ نشان دهنده بیشترین تأثیر منفی مهاجرپذیری بر نماگرها و در نتیجه ایجاد کننده بیشترین ناپایداری است و عدد ۱ نشان دهنده کمترین تأثیر منفی مهاجرپذیری بر نماگرها و در نتیجه ایجاد کننده کمترین ناپایداری است).
- ۲- وزن‌دهی به نماگرها: بر اساس نظر متخصصان به نماگرها و شاخص‌ها وزن داده شد تا ارزش هر شاخص و نماگر به دست آید و سپس وزن به دست آمده در هر نماگر و شاخص ضرب شد.
- ۳- *Compute* کردن نماگرها: در این مرحله نماگرهای مربوط به هر شاخص باهم ترکیب شده و شاخص مورد نظر و مقدار نهایی آن ساخته شد و در نهایت با ترکیب شاخص‌های اجتماعی، بعد اجتماعی به دست آمد.
- ۴- محاسبه آماره‌ها: با انجام مراحل فوق، محاسبات آماری نهایی انجام پذیرفت.
- ۵- استاندارد نمودن داده‌ها: برای انجام محاسبات آماری، نیاز است که شاخص‌ها استاندارد شده، حداقل و حداکثر هر شاخص تعیین و دامنه تغییرات محاسبه شود و در نهایت نیز مقدار هر عدد از مقدار حداقل شاخص کم و حاصل بر دامنه تغییرات تقسیم و داده‌های استاندارد شده بین صفر تا یک به دست آید. برای این کار از رابطه زیر استفاده شده است.

$$Z_i = \frac{X_i - X_{min}}{X_{max} - X_{min}}$$

که در آن Z_i مقدار استاندارد شده، X_i مقدار هر یک از داده‌ها، X_{min} حداقل امکان داده‌ها X_{max} حداکثر مقدار داده‌ها می‌باشد. در مواردی مقدار داده‌ها به درستی معلوم نباشد.

بیسواد و یک درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. بررسی وضعیت سنی مهاجران نشان می‌دهد؛ ۵۳ درصد متعلق به سنین ۲۵ تا ۴۴ بوده و کمترین گروه سنی به گروه ۶۵ سال و به بالا تعلق دارد. بررسی وضعیت نوع مسکن ساکنین مهاجر نشان می‌دهد؛ در برابر ۵۲ درصدی که دارای مسکن شخصی هستند، ۳۷ درصد نیز، مسکن استیجاری دارند.

۲- یافته‌های توصیفی منتج از داده‌های جامعه ساکنان بومی: از نظر توصیفی، نتایج تحقیق بیانگر آن است که ۶۶ درصد از پاسخ دهندگان جامعه نمونه بومی را مردان و ۳۴ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین از مجموع پاسخ دهندگان، ۷۹ درصد متأهل و ۲۱ درصد مجرد هستند. با توجه به موقعیت روستاهای مورد مطالعه، غالب ساکنان یعنی ۵۳ درصد از پاسخ‌دهندگان بومی در فعالیتهای خدماتی (مغازهداری، مشاور املاکی، شغل دفتری و اداری) اشتغال دارند. بررسی سطح سواد نشان می‌دهد که در مجموع سواد بیشتر پاسخ‌دهندگان بومی در سطح دیپلم و کمتر بوده و از این میان ۴۴ درصد ابتدایی و بیسواد و ۱ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. بررسی وضعیت سنی ساکنان بومی نشان می‌دهد؛ ۴۶ درصد متعلق به سنین ۲۵ تا ۴۴ سال می‌باشد و کمترین گروه سنی به گروه ۶۵ سال و به بالا تعلق دارد. بررسی وضعیت نوع مسکن ساکنین بومی نشان می‌دهد؛ در برابر ۸۵ درصدی از ساکنین بومی که دارای مسکن شخصی هستند، ۹ درصد نیز مسکن استیجاری دارند.

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق:

جدول شماره ۷، توزیع شاخص‌های پایداری اجتماعی را به تفکیک روستاهای مورد مطالعه این پژوهش نشان می‌دهد؛ در رابطه با شاخص امنیت اجتماعی، میانگین این شاخص در جامعه هدف ۳,۰۹ و انحراف معیار آن ۰,۹۵ می‌باشد. مقادیر میانگین از ۲,۲۶ در روستای اصغرآباد تا ۳,۸۲ در روستای دهشادبالا متغیر است. میانگین شاخص مسائل اجتماعی در جامعه هدف ۲,۹۱ و انحراف معیار آن ۱,۲۶ می‌باشد. توزیع شاخص مسائل اجتماعی به تفکیک روستاها به این نحو است که میانگین شاخص در جامعه مورد مطالعه از ۱,۹۵ در روستای اصغرآباد تا ۳,۸۹ در روستای یوسف‌آباد قوام متغیر است. تغییرات شاخص همبستگی اجتماعی به تفکیک روستاها به این ترتیب است که کمترین و بیشترین مقدار آن به ترتیب برابر ۲,۶۴ و ۳,۳۸ در روستاهای اصغرآباد و جیتو می‌باشد. بررسی شاخص مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد؛ میانگین شاخص مذکور در جامعه هدف ۳,۷۹ انحراف معیار آن ۰,۸۸ می‌باشد. چنانچه مشاهده می‌شود؛ میانگین شاخص مذکور به تفکیک روستاها از ۳,۲۵ در روستای رضی‌آباد تا ۴,۶۹ در روستای جیتو متغیر است. بررسی تغییرات شاخص اعتماد اجتماعی به این ترتیب شرح داده شده که؛ میانگین آن ۳,۶۵ و انحراف معیار آن ۱,۱۵ می‌باشد. این در حالی است که توزیع این شاخص به تفکیک روستاهای مورد مطالعه به این ترتیب است که؛ میانگین شاخص مذکور در جامعه هدف از ۲,۹۷ در روستای سقرچین تا ۴,۶۷ در روستای جیتو متغیر است. بررسی شاخص عدالت جنسیتی نیز نشان می‌دهد؛ میانگین آن در جامعه مورد مطالعه ۲,۶۱ و انحراف معیار آن ۰,۷۵ است و توزیع شاخص فوق به تفکیک روستاهای نمونه به این ترتیب است که؛ در جامعه هدف کمترین میانگین مربوط به روستای رضی‌آباد با ۱,۹۶ و بیشترین میانگین آن با ۳,۲۹ در روستای نیکنام‌ده است. در نهایت شاخص تعلق مکانی به این نحو است که؛ میانگین شاخص در جامعه هدف ۲,۸۹ و انحراف معیار آن ۱,۰۲ است. میانگین این شاخص به تفکیک روستاها به این نحو است که کمترین مقدار آن مربوط به روستای پیغمبر با مقدار ۲,۴۷ و بیشترین آن ۳,۶۲ در روستای نیکنام‌ده می‌باشد.

جدول ۷- یافته‌های توصیفی شاخص‌های پایداری اجتماعی

ردیف	روستا	امنیت اجتماعی		مسائل اجتماعی		همبستگی اجتماعی		مشارکت اجتماعی		اعتماد اجتماعی		عدالت جنسیتی		تعلق مکانی	
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
۱	رضی آباد	۰.۸۹	۳.۳۴	۰.۸۹	۲.۴۷	۱.۲۳	۳.۰۲	۰.۶۵	۳.۲۵	۰.۶۳	۳.۲۶	۱.۳	۱.۹۶	۰.۸۹	۲.۳۵
۲	دهشاد بالا	۰.۹۱	۳.۸۲	۰.۹۱	۳.۵۹	۱.۲۳	۳.۲۱	۰.۶۴	۳.۹	۰.۷۲	۳.۵۴	۱.۴۹	۲.۰۸	۰.۸۵	۲.۸۹
۳	یوسف آباد قوام	۰.۵۹	۳.۶۲	۰.۵۹	۳.۸۹	۰.۹۸	۲.۷۵	۰.۳۳	۳.۳۳	۰.۸۲	۳.۴۲	۱.۱۴	۲.۵	۰.۴۲	۲.۷۳
۴	سعید آباد	۰.۵۹	۳.۳۵	۰.۵۹	۳.۴	۰.۹۳	۲.۸۵	۰.۳۲	۳.۶۱	۰.۹۳	۳.۵۴	۱.۳۵	۲.۸	۰.۶۱	۳.۲
۵	عشق آباد	۱.۱۸	۲.۹	۱.۱۸	۲.۹۲	۱.۳۵	۲.۸۵	۰.۴۹	۳.۷۲	۱.۰۲	۳.۱۷	۱.۲۶	۲.۴۵	۰.۸۹	۲.۸۱
۶	پیغمبر	۰.۸۹	۳.۲۳	۰.۸۹	۳.۴۷	۱.۳۷	۲.۶۹	۰.۳۴	۳.۵۱	۱.۱	۳.۵۴	۱.۱۴	۲.۳۸	۰.۴۳	۲.۴۷
۷	مرا	۰.۸	۳.۰۵	۰.۸	۲.۷۹	۱.۲۶	۳.۲	۰.۶	۴.۱۴	۰.۴۳	۴.۳۷	۰.۶۷	۲.۷۱	۱.۰۳	۲.۸۵
۸	غنی اباد	۰.۸	۳.۳۷	۰.۸	۳.۴۵	۰.۹۹	۳.۰۶	۰.۳۵	۳.۶۷	۱.۰۷	۴.۱۲	۰.۸۷	۳.۱۹	۰.۵۸	۳.۲۸
۹	مهرآباد	۰.۸۴	۳.۱۶	۰.۸۴	۳.۱۸	۱.۲۴	۳.۲	۰.۷۱	۴.۱	۰.۶	۴.۲۸	۰.۸۱	۲.۸۸	۰.۴۹	۳.۰۶
۱۰	امین آباد	۰.۹۷	۲.۴۵	۰.۹۷	۲.۲۹	۱.۱۶	۲.۸۸	۰.۴۹	۳.۸۸	۰.۶۹	۳.۳۷	۰.۹۴	۲.۵۸	۰.۵۶	۲.۷۹
۱۱	حصارقاضی	۰.۸۶	۲.۴۴	۰.۸۶	۲.۱۵	۰.۹۵	۳.۳۱	۰.۴۴	۴.۰۲۵	۰.۸۱	۳.۶۷	۰.۹۶	۳.۰۸	۰.۵۹	۳.۲۱
۱۲	رودک	۰.۸۹	۲.۳۷	۰.۸۹	۲.۰۱	۰.۹۶	۲.۶۵	۰.۴۸	۳.۵۴	۰.۷۶	۳.۶۸	۱.۴۵	۲.۴۴	۰.۸۷	۲.۵۳
۱۳	جیتو	۰.۹۵	۳.۰۵	۰.۹۵	۲.۵۵	۱.۲۴	۳.۳۸	۰.۵۵	۴.۶۸	۰.۳۸	۴.۶۷	۰.۴	۲.۶۴	۰.۸۶	۲.۷۹
۱۴	نیک‌نامده	۱.۰۲	۳.۲۴	۱.۰۲	۳.۱۸	۰.۷۲	۳.۰۱	۰.۵	۴.۵۵	۰.۵۶	۴.۰۷	۰.۷۳	۳.۲۹	۰.۶۲	۳.۶۲
۱۵	جلیل آباد	۰.۶۷	۳.۴۴	۰.۶۷	۳.۳۳	۱.۳۳	۲.۷	۰.۳۹	۳.۵۸	۰.۸۱	۳.۶۴	۱.۲۳	۲.۵۶	۰.۶۲	۲.۷۵
۱۶	سفرچین	۱.۰۹	۲.۷۹	۱.۰۹	۲.۱۱	۰.۹	۲.۷	۰.۳۹	۴.۱۱	۰.۶۳	۲.۹۷	۱.۲۶	۲.۳۶	۰.۴۲	۲.۷۸
۱۷	اصغرآباد	۰.۹۳	۲.۲۶	۰.۹۳	۱.۹۵	۰.۹۵	۲.۶۴	۰.۳۵	۳.۹۲	۰.۸۵	۳.۵۹	۰.۸۱	۲.۶۲	۰.۶۹	۳.۰۱
۱۸	علی آباد طابچه	۰.۹۱	۳.۰۴	۰.۹۱	۲.۴۳	۱.۲۸	۲.۸۴	۰.۴۲	۳.۴۳	۰.۸۹	۳.۳۳	۱.۰۵	۲.۳۵	۰.۶	۲.۶۳

منبع: یافته‌های تحلیلی پژوهش، ۱۳۹۳.

همانطور که در بخش روش تحقیق توضیح داده شد؛ از ترکیب شاخص‌های اجتماعی، بعد اجتماعی به دست آمده و میانگین و انحراف معیار به تفکیک روستاها محاسبه شده است؛ بر اساس جدول شماره ۸، میانگین بعد اجتماعی ۳.۲ و انحراف معیار آن ۰.۴۱ می‌باشد. میانگین این بعد در روستاهای مورد مطالعه از ۲.۸۸ در روستاهای رودک و اصغرآباد تا ۳.۵۶ در روستای دهشاد بالا متغیر است.

جدول ۸- یافته‌های توصیفی بعد اجتماعی به تفکیک روستاها

نام روستا	رضی آباد	دهشاد بالا	یوسف آباد قوام	سعید آباد	عشق آباد	پیغمبر	مرا	غنی آباد	مهرآباد	امین آباد	حصارقاضی	رودک	جیتو	نیک‌نامده	جلیل آباد	سفرچین	اصغرآباد	علی آباد طابچه
میانگین	۳.۱	۳.۵۶	۳.۲۲	۳.۲	۳.۰۹	۳.۲۲	۳.۲۷	۳.۳۸	۳.۴	۲.۹۳	۳.۰۸	۲.۸۸	۳.۲۹	۳.۴۶	۳.۲۹	۲.۹۸	۲.۸۸	۳.۰۴
انحراف معیار	۰.۳۹	۰.۴۶	۰.۳۴	۰.۳۱	۰.۴۹	۰.۲۶	۰.۳۱	۰.۲۸	۰.۴۳	۰.۴۷	۰.۴۵	۰.۴۷	۰.۳۱	۰.۴۳	۰.۳۳	۰.۳۲	۰.۳۸	۰.۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳.

بررسی سطوح مختلف پایداری در روستاهای مورد مطالعه را در بعد اجتماعی به نمایش گذاشته‌است. به این ترتیب که؛ با توجه به جدول پرسکات آن سطوح پایداری در جدول شماره ۶ (بد یا ناپایدار، ضعیف یا تقریباً ناپایدار، متوسط، قابل قبول یا تقریباً ناپایدار، خوب یا پایدار) مشخص شد. از آنجایی که طیف مورد استفاده در پژوهش حاضر از ۱ با کمترین اثرپذیری از مهاجرت تا ۵ با بیشترین اثرپذیری از مهاجرت مشخص شده بود؛ لذا ضرورت داشت ارزش‌ها بر عکس جدول پرسکات آن، تعیین گردد. با توجه نتایج بررسی‌ها این پژوهش و داده‌های جدول شماره ۹، وضعیت سطوح پایداری روستاها مورد مطالعه؛ ۲۲ درصد از روستاهای دارای پایداری، ۲۲ درصد دارای پایداری خوب، ۱۶ درصد پایداری متوسط، ۲۷ درصد پایداری ضعیف و در نهایت ۱۱ درصد نیز دارای ناپایداری هستند. چنانچه مشاهده می‌شود پایداری حدود ۵۵ درصد از روستاهای مورد بررسی در بعد اجتماعی از حد متوسط به سمت ناپایداری گرایش دارد.

جدول ۹- بررسی سطوح مختلف پایداری در بعد اجتماعی روستاهای مورد مطالعه

روستا	ارزش	وضعیت: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳ ارزش	وضعیت
رضی آباد	۰,۳۲	پایداری خوب	پایدار
دهشاد بالا	۱	ناپایدار	پایداری خوب
یوسف آباد قوام	۰,۵	پایداری متوسط	پایدار
سعید آباد	۰,۶۱	پایداری ضعیف	پایداری ضعیف
عشق آباد	۰,۳	پایداری خوب	ناپایدار
پیغمبر	۰,۵	پایداری متوسط	پایداری ضعیف
مرا	۰,۵۷	پایداری متوسط	پایدار
غنی آباد	۰,۷۳	پایداری ضعیف	پایدار
مهرآباد	۰,۷۶	پایداری ضعیف	پایداری خوب

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

با توجه به جدول پرسکات آن وضعیت پایداری شاخص‌های توسعه پایدار اجتماعی مشخص گردید. با توجه نتایج بررسی‌ها، وضعیت پایداری در شاخص امنیت اجتماعی، همبستگی اجتماعی و تعلق مکانی قابل قبول و یا تقریباً پایدار بوده و شاخص‌های مسائل اجتماعی و عدالت اجتماعی در وضعیت خوب یا پایدار قرار دارد. شاخص‌های مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی در وضعیت بد یا ناپایدار واقع شده است. (جدول شماره ۱۰).

جدول ۱۰- وضعیت پایداری شاخص‌های توسعه پایدار اجتماعی در روستاهای نمونه

روستا	مؤلفه‌های یافته‌های پژوهش و تعلق مکانی
امنیت اجتماعی	۰,۳۶ قابل قبول یا تقریباً پایدار
مسائل اجتماعی	۰,۱۹ خوب یا پایدار
همبستگی	۰,۲۷ قابل قبول یا تقریباً پایدار
مشارکت	۱ بد یا ناپایدار
اعتماد اجتماعی	۰,۸۶ بد یا ناپایدار
عدالت اجتماعی	۰ خوب یا پایدار
تعلق مکانی	۰,۰۲ قابل قبول یا تقریباً پایدار

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

نتیجه‌گیری:

توسعه پایدار با توجه به گستردگی و جامعیت اهداف، اکنون به عنوان رویکردی غالب در بررسی ابعاد مختلف سکونتگاه‌های روستایی است و عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار بر پایداری و ناپایداری زندگی روستایی با معیارهای توسعه پایدار سنجدیده می‌شود. این مقاله با هدف بررسی نقش مهاجرپذیری روستاهای پیرامون کلان‌شهری تهران و پایداری یا ناپایداری توسعه اجتماعی این روستاها انجام شده است. بررسی داده‌های توصیفی بیانگر آن است که سطح سواد ۴۰ درصد ساکنین روستاهای مورد مطالعه، در حد بیسواد یا ابتدایی است. بررسی وضعیت گروه‌های سنی نشان می‌دهد که تقریباً ۵۰ درصد ساکنین در گروه سنی ۲۵-۴۰ سال قرار دارند. نگاهی به وضعیت اشتغال هم نشان می‌دهد اشتغال به فعالیت‌های خدماتی، در میان ساکنین مهاجر بیش از ۷۰ درصد و در بین ساکنین بومی بیش از ۵۰ درصد است. البته منظور از اشتغال در بخش خدماتی، عمدتاً شغل‌های کاذب است. بررسی وضعیت مالکیت مسکن، نشان می‌دهد؛ ۳۷ درصد ساکنین مهاجر در مسکن استیجاری زندگی می‌کنند. در یک جمع‌بندی کلی از داده‌های توصیفی جامعه آماری، باید گفت سطح تحصیلات به نسبت پایین، جوانی جمعیت، اشتغال غالب در بخش‌های غیررسمی و در نهایت نسبت بالای اجاره‌نشینی در بین ساکنین مهاجر، در روستاهای مهاجرپذیر، اجتماع چندان پایداری را به تصویر نمی‌کشد. در طی مصاحبه‌ها و تکمیل پرسشنامه‌ها، اهالی بومی و مهاجر به دفعات، وجود خانه‌های اجاره‌ای و مستاجری را از عوامل اثرگذار بر بعد اجتماعی روستا، به ویژه بر امنیت، دانستند. رونق اجاره‌نشینی در این روستاها، راه سوء استفاده را برای افراد سودجو هموار می‌کند؛ به طوری که همواره عده‌ای افراد سودجو با سکونت در این روستاها و با سوء استفاده از کاهش کنترل نیروهای انتظامی و امنیتی در گسترش مسائل اجتماعی دخالت دارند و تا حدودی همین امر ذهنیت جامعه مقصد را نسبت به جامعه مهاجر مخدوش می‌سازد. به ویژه در روستاهایی که حجم ورود مهاجران بیشتر بوده است، این دیدگاه نسبت به جامعه مهاجران بیشتر از سایر روستاها بوده است.

بعد از محاسبه‌ها آماره‌ها و با مینا قرار دادن طبقه‌بندی پرسکات آلن، روستاهای مهاجرپذیر پیرامون کلانشهر تهران، از نظر پایداری اجتماعی مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج بررسی‌ها نشان داد؛ بیش از نیمی از روستاها از حد پایداری متوسط به سمت ناپایداری گرایش دارند. در نتیجه می‌توان گفت مهاجرپذیری، شاخص‌های اجتماعی روستاها را تحت تأثیر قرار داده و به سمت ناپایداری سوق می‌دهد. نتایج حاصل از این تحقیق، نتایج بررسی‌های پورطاهری، سجاسی و صادقلو در سال ۱۳۸۸، مبنی بر حرکت روستاها به سمت ناپایداری اجتماعی را تأیید می‌کند؛ همچنین نتایج مطالعه افراخته در سال ۱۳۹۲ و مطالعه اکبر پور و نجفی در سال ۱۳۸۹ مبنی بر رشد سرقت و اوباش‌گری و ناهنجاری‌های اجتماعی را نیز تأیید می‌کند. اما نتایج به دست آمده این تحقیق بر خلاف نتایج مطالعات صورت گرفته توسط استوکدال در سال ۲۰۰۶ میلادی و آلتای و آلگان ۲۰۱۱ میلادی است؛ مطالعات این پژوهشگران نشان می‌دهد؛ ورود جمعیت مهاجر به روستاهای پیرامون کلانشهرها به عنوان منشأ کارآفرینی و منبع مشارکت در ایجاد توسعه درونی است.

از آنجایی که بعد اجتماعی توسعه پایدار از اولویت‌های پژوهش در حوزه توسعه پایدار نبوده؛ لذا از ادبیات نسبتاً ضعیف‌تری نسبت به ابعاد زیست‌محیطی و اقتصادی برخوردار است. از این رو دستیابی به شاخص‌های اجتماعی پایداری و روش‌های مناسب مطالعه آن با چالش روبرو است و از طرفی بررسی ابعاد اجتماعی توسعه پایدار نسبت به دیگر ابعاد، نیازمند دقت نظر و حوصله بیشتری است؛ لذا پیشنهاد می‌شود در بررسی آن از روش ترکیبی کمی و کیفی به صورت توأمان استفاده شود؛ تا تمامی زوایای پنهان موضوع مشخص گردد. از دیدگاه برنامه‌ریزی روستایی نیز، پیشنهاد می‌شود، برای حفظ پایداری اجتماعی روستاها، قوانین و ضوابطی برای حضور و سکونت در روستاهای مقصد مهاجران وضع شود؛ تا ورود بی‌ضابطه و بیش از ظرفیت اجتماع روستایی منجر به ناپایداری اجتماعی روستاها نشود.

منابع و مأخذ:

۱. اطاعت، جواد (۱۳۹۰): «جمعیت و توسعه پایدار در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۴۲، تهران، صص ۳۶ - ۷.
۲. افراخته، حسن و محمد حجی‌پور (۱۳۹۲): «خزش شهری و پیامدهای آن در توسعه پایدار روستایی (مورد: روستاهای پیرامونی شهر بیرجند)»، فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، جغرافیا، شماره ۳۹، تهران، صص ۱۸۴ - ۱۵۴.

۳. اکبرپورسراسکانرود، محمد و اسماعیل نجفی (۱۳۸۹): «مفهوم توسعه پایدار در محیط‌های روستایی حوزه کلانشهرها، مطالعه موردی: کلانشهر تهران»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۰، تهران، صص ۷۹-۶۴.
۴. پورطاهری، مهدی؛ سجاسی قیداری، حمداله و طاهره صادقلو (۱۳۸۸): «سنجش و اولویت بندی اجتماعی در مناطق روستایی، با استفاده از تکنیک رتبه بندی بر اساس تشابه به حل ایده آل فازی (مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده»، مجله پژوهش‌های روستایی، سال ۱، شماره ۱، تهران، صص ۳۱-۱.
۵. جاودان، مجتبی و عبدالرضا رکن الدین افتخاری (۱۳۸۹): «اندازه گیری شاخص‌های توسعه پایدار اجتماعی در حوزه‌های روستایی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، مورد: بخش سربند (شهرستان سازند - استان مرکزی)»، فصلنامه کاربرد *RS* و *GIS* در برنامه ریزی، شماره ۷، تهران، صص ۴۵-۱.
۶. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۱): «تحلیل الگوهای روابط و مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۳، تهران، صص ۹۴-۸۱.
۷. رضوانی، محمدرضا؛ اکبریان رونیزی، سعیدرضا؛ رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و سیدعلی بدری (۱۳۹۱): «تبیین شاخص‌های محک‌پایداری در ارزیابی آثار الگوهای گردشگری در نواحی روستایی پیرامون کلان‌شهرها (مطالعه موردی: نواحی روستایی پیرامون کلان‌شهر تهران»، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۱، تهران، صص ۹۴-۶۹.
۸. سلامی، رضا (۱۳۷۶): «بررسی اجمالی توسعه پایدار»، مجله رهیافت، شماره ۱۷، تهران.
۹. شادی طلب، ژاله و مجتبی بیات (۱۳۹۰): «نوسازی فرهنگی در روستاهای در حال گذار»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۴۳، تهران، صص ۱۷۹-۱۵۷.
۱۰. عفتی، محمد (۱۳۸۳): «بررسی آثار مهاجرت‌های فصلی مردان بر فعالیت‌های زنان روستایی»، مجله روستا و توسعه، شماره ۳، تهران.
۱۱. علیزاده پروین، حسن (۱۳۷۱): بررسی روابط متقابل شهر و روستا، انتشارات فروغ آزادی چاپ اول، تهران.
۱۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۶۸): جامعه‌شناسی، مترجم: منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ اول، تهران.
۱۳. محمودی نژاد، هادی؛ پورجعفر، محمدرضا و محمود انصاری (۱۳۸۶): «بررسی جایگاه برنامه‌ریزی توریسم در توسعه پایدار روستایی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه مسکن و انقلاب، سال ۲۶، شماره ۱۱۹، تهران، صص ۴۸-۳۵.
۱۴. مولدان، بتدریج و سوزان بیلهارز (۱۳۸۱): شاخص‌های توسعه پایدار، مترجم: حداد تهرانی، نشاط و ناصر محرم نژاد، انتشارات حفاظت محیط زیست تهران.

15. Algun. Altye., Baycan. Tuzine nikamp. P. ,(2011): *Roles of local and newcomer entrepreneurs in rural development: a comparative Meta – analytic study. Regional Studies, Vol. 45, 1207–1223.*
16. Archambault. Carolin. S (2013): *I ll Be Home For Christmas,; The Role of International Massai Migrants in Rural Sustainable Community Development, available on www.mdpi.com/journal/sustainabilit*
17. Assefa G. and Frostell B., (2007): *Social Sustainability and Social Acceptance in technology Assessment: A Case Study of Energy Technologies. Technologies in Society, 29, 63-78.*
18. Colantonio., A., and Dixon. T., (2009): *Measuring Socially Sustainable, Urban Regeneration in Europe Measuring Socially Sustainable Urban Regeneration in Europe, 1-129.*
19. Drakakis-Smith D., (1995): *Third World Cities: Sustainable Urban Development, Urban Studies, Vol. 32, 4- 15.*

20. Drexhage, J., and Murphy D., (2010): *Sustainable Development: From Brundtland to Rio*, 659 – 677.
21. Hass, Hein, D., (2008): *Migration and development a theoretical Perspective*, International Migration Institute, University of Oxford 1-60.
22. Ratha D. Workers, R. (2003): *an Important and Stable Source of External Development Finance in Global Development Finance*. World Bank 75-157.
23. Stockdale, Aileen (2006): *Migration: Pre – requisite for rural economic narration?* journal of rural studies, 22, 354 – 366.
24. Stockdale J., Findlay, A., Short, D., (2000): *the repopulation of Rural Scotland, Opportunity and threat*, Journal of rural Studies, 16, 243-257.
25. Willians, A., Jobs. S., (1990): *Economic and quality of life considerations in urban–rural migration*. Journal of Rural Studies 6: 187–94.